



The Nature of the Mamumah; Necessity or Not Necessary of Wound and Damage to the Skull



Taha Zargarian^{1*} PhD

¹ Department of Law, Ayatollah Boroujerdi University, Borujerd, Lorestan, Iran

*Correspondence to: Taha Zargarian, Email Tahazargariyan93@gmail.com

ARTICLE INFO

Article history:

Received: January 14, 2024
Accepted: April 9, 2024
Online Published: May 14, 2024

Keywords:

Crime
Mamumah
Skull
Wound

HIGHLIGHTS

1. The explanation of the Mamomeh of the mission in the relevant laws is accompanied by ambiguities, the result of which has led to many votes.
2. The realization of the Mamomeh depends on the penetration of the weapon of the crime into the skull, through the injury of the scalp and the fracture of the skull without damaging the brain bag.

ABSTRACT

The ransom for the crime of Mamomeh is determined at the amount of one-third of the full human ransom in accordance with Clause (h) of Article 709 of the Islamic Penal Code. The amount of ransom for the crime indicates the extent of the crime. The legislator's insistence on not retribution punishment to the Mamomeh in charge under Article 401 of the Penal Code demonstrates the sensitivity and seriousness of the crime of the Mamomeh. The scale, sensitivity and seriousness of the crime make it necessary to clarify the nature of the crime as much as possible. The realization of some crimes in Iran's jurisprudence and law system depends on how the crime was created; The main Question of the current research is that the presence of injury and damage to the skull has a place in the realization of the crime of mamumah. Based on the descriptive-analytical method, the present research has evaluated the traditions and viewpoints of Imamiyya jurists and has found that the realization of the crime of mamumah depends on the penetration of the instrument of the crime into the skull; The scalp must be split and the skull fractured to introduce the instrument of crime to the border of the brain bag.

How to cite: Zargarian T. The nature of the mamumah; necessity or not necessary of wound and damage to the skull. Iran J Forensic Med. 2024;30(2):83-92.



مختصات ماهیت مأمومه؛ پژوهشی در لزوم جراحات و آسیب مجمله

طه زرگریان^{۱*} PhD

^۱ گروه حقوق، دانشگاه آیت الله بروجردی (ره)، بروجرد، لرستان، ایران

* نویسنده مسئول: طه زرگریان، پست الکترونیک: Tahazargariyan93@gmail.com

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

دریافت:

۱۴۰۲/۱۰/۲۴

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۱/۲۱

انتشار برخط:

۱۴۰۳/۰۲/۲۵

واژگان کلیدی:

جنایت

مأمومه

مجممه

جراحات

نکات ویژه

- ۱- تبیین ماهیت مأمومه در قوانین موضوعه همراه با ابهام هابی است که نتیجه آن به تعدد آراء انجامیده است
- ۲- تحقق جنایت مأمومه در گرو نفوذ آلت جنایت به درون مجمله، از طریق جراحات پوست سر و شکسته شدن مجمله بدون آنکه آسیب به کیسه مغز برساند، می باشد.

چکیده

میزان یک سوم دیه جنایت مأمومه، بیانگر بزرگی این جنایت است. همچنین اصرار قانون گذار به جلوگیری از قصاص مأمومه طی ماده ۴۰۱ ق.م.ا، بیانگر میزان حساسیت و خطرناک بودن آن است. بزرگی جنایت مأمومه، حساسیت و خطرناک بودن آن، ضرورت هرچه واضح تر شدن ماهیت جنایت مأمومه را می طلبد. اما تبیین ماهیت مأمومه در قوانین موضوعه همراه با ابهام هابی است که نتیجه آن به تعدد آراء انجامیده است. مهم ترین ابهام ماهیت مأمومه به لزوم یا نبود لزوم وجود جراحات و همچنین به لزوم یا نبود لزوم وجود آسیب به مجمله در تحقق جنایت مأمومه بازمی گردد. تحقق بعضی از جنایات در نظام فقه و حقوق ایران در گرو چگونگی ایجاد جنایت است. مسئله اصلی پژوهش حاضر عبارت از آن است که وجود جراحات و آسیب به مجمله در تحقق جنایت مأمومه از چه جایگاهی برخوردار است. پژوهش حاضر به ارزیابی روایات و دیدگاه فقهای امامیه پرداخته و نشان داد که تحقق جنایت مأمومه در گرو نفوذ آلت جنایت به درون مجمله است؛ به گونه ای که پوست سر، لزوماً از طریق جراحات شکافته شود و مجمله را شکسته و بدون آنکه ضرورتی بر آسیب به کیسه مغز باشد، تا مرز آن نفوذ کند.

مقدمه

جنایت «مأمومه» در عضو سر واقع شده و دارای یک سوم دیه کامل انسان است. جنایت مأمومه را می توان در دسته جرایم جنایی پرخطر قرار داد. واقع شدن این جنایت در سر انسان و همچنین میزان یک سوم دیه برای جنایت مأمومه، بیانگر پرخطر بودن جنایت مورد بحث است. قانون گذار جزایی به تبع فقه جزایی، جنایت «مأمومه» را در کتاب قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار داده و طی بند «ح» ماده ۷۰۹ مقرر کرده است: «مأمومه، جراحاتی است که به کیسه مغز برسد». تعریف مذکور در قانون مجازات اسلامی به مثابه ماهیت شناسی

«مأمومه» محسوب می شود زیرا با مذاقه در تعریف مورد نظر که تلاش قانون گذار را در «جرح دانستن» و «به کیسه مغز رسیدن» جنایت «مأمومه» می داند، می توان هدف قانون گذار را از تعریف مذکور، شناساندن مختصات «مأمومه» دانست. اما تعریف مورد بحث در ماده ۷۰۹ ق.م.ا، با ابهاماتی همراه است که موجبات سردرگمی کارشناسات پزشکی قانونی را فراهم کرده است. اولین ابهام مورد نظر به موضوعیت یا طریقیّت واژه «جراحات» در بند «ح» ماده ۷۰۹ ق.م.ا بازمی گردد. آیا جنایت مأمومه که مطابق با ادعای قانون، باید به کیسه مغز برسد، منحصر از طریق جراحات حاصل می شود

ارزنده‌ای در حوزه جنایت بر سر و مجمله انسان است. اما همه تحقیقات موجود در عرصه پزشکی به ارزیابی‌های تخصصی منحصر شده و کمتر از مسائل حقوقی درباره موضوع مربوطه سخن گفته شده است. با رجوع به حوزه پژوهشی حقوق، معلوم می‌شود اثر متمرکزی درباره بحث مورد نظر موجود نیست. با این حال فقهای امامیه، بحث مورد نظر را در آثار فقهی خود وارد کرده و بحث و بررسی‌های قابل توجهی درباره آن انجام داده‌اند. کتاب «جواهرالکلام» از محقق نجفی و کتاب «مذهب الاحکام» از محقق سبزواری در این باره قابل مطالعه است. با این وجود، پژوهشی مستقل و منسجم که جنایت مأمومه را با نگاه فقهی و قانونی مورد ارزیابی قرار دهد در مقالات علمی-پژوهشی معتبر قابل مشاهده نیست.

مفهوم‌شناسی

جراحت: واژه «جرح» به معنای «شکافتن پوست» است. جراحت در اصطلاح فقهی مبتنی بر مقدار میزانی که از خراشیدگی پوست تا نفوذ در گوشت رخ می‌دهد، مصادیق متفاوتی دارد. در همه موارد، زخم پدید آمده در بدن با آلات جرح و مانند آن جراحت نامیده می‌شود [۶]. جراح در اصطلاح پزشکی به مواردی گفته می‌شود که بافت‌های بدن از هم گسیخته شده و اغلب با خونریزی توأمند [۲۵]. مجمله: مجمله در اسکلت محوری از ۲۲ استخوان تشکیل شده که شکستگی آن به‌خصوص در ناحیه قاعده به دلیل مجاورت با اعصاب و عروق مهمی از اهمیت زیادی برخوردار است. مجمله که یک ساختار استخوانی است، به عنوان چارچوب سر عمل کرده و مغز را از صدمه دیدن حفظ می‌کند [۴].

موضوع‌شناسی

مأمومه در اصطلاح جزایی: واژه مأمومه به عنوان یک جنایت دارای دیه مقدر در منابع فقهی مورد بحث و بررسی فقها واقع شده است. با مذاقه در مبانی بحث مأمومه معلوم می‌شود اصطلاح مأمومه و طرح آن به عنوان یک جنایت

یا به هر طریق ممکن دیگر مانند ایراد صدمه، امکان وقوع مأمومه خواهد بود؟ به سخن دیگر می‌توان بیان کرد آیا وجود جراحت برای تحقق مأمومه موضوعیت دارد و یا صرفاً جایگاه طریقت برای تحقق مأمومه را داشته و از هر طریق دیگری امکان وقوع مأمومه ممکن است؟ دومین ابهام به عبارت «به کیسه مغز برسد» بازمی‌گردد، زیرا معلوم نیست مقصود قانون‌گذار از «به کیسه مغز برسد» رسیدن آلت جنایت به پوسته مغز است به‌گونه‌ای که پوسته مغز هم با آلت جنایت درگیر شود یا اینکه رسیدن آلت جنایت به پوسته مغز لازم نبوده و توقف آن تا قبل از پوسته مغز، شرط تحقق مأمومه است؟ ابهام سوم به جایگاه مجمله سر در تحقق جنایت مأمومه بازمی‌گردد، زیرا باید مشخص شود آیا تحقق جنایت مأمومه لزوماً به شکستگی مجمله منوط است یا اینکه شکستن مجمله در مأمومه شرط نبوده و صرف رسیدن آلت جنایت از هر طریق ممکن به مغز، برای تحقق مأمومه کافی است؟ همان‌طور که پیشتر گفته شد ابهامات مورد نظر موجب سردرگمی کارشناسان پزشکی قانونی شده و بالطبع به ابهامات حقوقی و قانونی انجامیده است. تبیین ماهیت جنایت در نظام جزایی کشور ایران از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، زیرا قوانین جزایی کشور ایران از نظام فقه جزایی تبعیت کرده و موضوع دیات و جنایات در فقه جزایی از قواعد کاملاً خاص و منحصر به فردی تبعیت می‌کند.

میزان دیه جنایت در نظام فقه جزایی، ارتباط مستقیمی با مختصات آن جنایت دارد. بر این اساس لازم است تمام مختصات جزئی یک جنایت همان‌طور که در منابع شرعی آمد، استخراج شود و در قامت قانون قابل استناد باشد. هرچند یافتن دقیق‌ترین جزئیات ماهیت همه جنایت از اهمیت بالایی برخوردار است، اما یافتن این امر درباره جنایت مأمومه دوچندان است زیرا مأمومه دارای یک سوم دیه کامل است که در تقسیم میزان دیات از جمله جنایات با دیه بالا محسوب می‌شود. تتبع پژوهشی در آثار فقهی، حقوقی و پزشکی حاکی از مقالات و تحقیقات

«جراحت» اقدام کرده، اما حصری بودن تحقق مأمومه از طریق جراحت در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. از دیگر ابهامات موجود در ماهیت مأمومه، کمیت آسیب‌های وارده برای تحقق مأمومه است. لزوم شکسته شدن جمعه در تحقق مأمومه مورد اختلاف واقع شده است. از جمله دلایل ابهامات مذکور درباره مأمومه، واضح نبودن ماهیت آن در کتاب قانون است. قانون‌گذار کتاب مجازات اسلامی عمق نفوذ مأمومه را با عبارت «تا کیسه مغز برسد» تقنین کرده اما مراد عبارت مذکور مورد اختلاف واقع شده که آیا آسیب دیدن کیسه مغز را باید بخشی از تحقق مأمومه دانست یا اینکه آسیب کیسه مغز از هیچ موضوعیتی در تحقق مأمومه برخوردار نیست؟ بر اساس مطالب مذکور، معلوم می‌شود ماهیت مأمومه با ابهامات مواجه است که تبیین آن نیازمند جستجوهای فقهی است، زیرا همان‌طور که پیش‌تر آمد اصطلاح مأمومه دارای حقیقت شرعی است و تنها با مراجعه به متون فقهی و روایات صادر شده درباره آن می‌توان به ماهیت صحیح و دقیق آن دست یافت.

مختصات ماهیت مأمومه

مأمومه به عنوان یک جنایت دارای یک ماهیت مختص به خود است که هرگاه تمام جزئیات آن ماهیت محقق شود، می‌توان گفت جنایت مأمومه واقع شده است. برای یافتن مختصات ماهیت مأمومه می‌توان سه مؤلفه مهم را که نقش مهمی در تشکیل ماهیت مأمومه دارند، مورد ارزیابی و شناسایی قرار داد. اولین مؤلفه مهم در شناسایی ماهیت مأمومه عبارت است از «محل مأمومه» زیرا شناسایی محل واقع شدن جنایت، می‌تواند جایگاه مؤثری در تمایز مرز جنایت مورد نظر از جنایات دیگر داشته باشد. دومین مؤلفه مهم به «کیفیت ایجاد مأمومه» بازمی‌گردد. مقصود از کیفیت ایجاد مأمومه، چگونگی درگیر شدن محل جنایت با آلت جنایت است. مشخص شدن کیفیت درگیر شدن محل جنایت در مأمومه می‌تواند نقش مؤثری در ممیزی ماهیت آن نست به ماهیت دیگر جنایات ایجاد کند. سومین مؤلفه مهم در شناسایی مختصات ماهیت

از روایات نشأت گرفته و آنگاه وارد ادبیات فقه امامیه شده است. با رجوع به منابع روایی معتبر، روایات متعددی می‌توان یافت که واژه «مأمومه» در آن ذکر شد و برخی احکام آن تبیین شده است [۲۸]. مفاد روایت مذکور در منابع من لایحضره الفقیه و وسائل الشیعه به ترتیب پیش رو قابل مطالعه است [۲۳]. براساس روایات مذکور، می‌توان دریافت مأمومه به عنوان یک جنایت شناخته شده در منابع روایی و منابع فقه امامیه قابل تأیید است. قانون‌گذار جزایی با تبعیت از فقه جزایی به جنایت مأمومه توجه داشته است. با مذاقه در قانون مجازات اسلامی می‌توان دریافت واژه مأمومه، سه بار در قانون مجازات اسلامی تکرار شده است. اما مهم‌ترین ماده‌ای که قانون‌گذار درباره مأمومه وضع کرده و به تعریف و تقویم میزان دیه آن پرداخته بند «ح» ماده ۷۰۹ ق.م.ا است: «مأمومه جراحتی است که به کیسه مغز برسد، یک سوم دیه کامل است. تتبع در قوانین قدیم جزایی، یعنی قوانین سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰، بیانگر آن است که تعریف اصطلاح مأمومه در آن سال‌ها با تعریف بند «ح» ماده ۷۰۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ همسو است.

ماهیت مأمومه: جنایاتی که بر انسان وارد می‌آید، ناظر بر نوع کمیت و کیفیت حادثه متفاوت است. جنایات ایجاد شده، خواه شکستگی باشد یا بریدگی و یا هر چیز دیگری مانند زوال منافع، ناگزیر یا از طریق صدمه و بدون جراحت ایجاد می‌شود و یا از طریق جراحت ایجاد می‌شود. هرچند نوع جنایت و چگونگی ایجاد آن در دانش پزشکی به ماهو دانش پزشکی موضوعیت ندارد، اما نوع جنایت و طریق آن در دانش فقه جزایی و به تبع آن در قوانین مجازات اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است، تا جایی که تحقق جنایت با دیه مختص آن منوط به شناسایی دقیق طریق ایجاد آن جنایت است. ثبوت دیه بعضی از جنایات در اندیشه جزایی از طریق صدمه قابل تحقق نیست، همان‌طور که ثبوت دیه بعضی جنایات از طریق جراحت قابل تحقق نیست. اکنون سخن از جنایت «مأمومه» است. هرچند قانون‌گذار مجازات اسلامی در تعریف مأمومه به بیان واژه

مأمومه به «طریق ایجاد مأمومه» بازمی‌گردد زیرا چگونگی طریق ایجاد جنایت مانند اینکه از طریق جراحی باشد یا صدمه و... از موضوعیت خاص در فقه امامیه برخوردار است، بر این اساس، با شناسایی طریق ایجاد مأمومه می‌توان داده‌های مؤثری در شناخت ماهیت مأمومه به دست آورد. بر اساس مطالب مذکور، ادامه پژوهش با ارزیابی سه بحث «محل ایجاد مأمومه»، «کیفیت ایجاد مأمومه» و «طریق ایجاد مأمومه» تکمیل می‌شود.

محل ایجاد مأمومه

سر به عنوان محل مأمومه در روایات: مذاقه در برخی از روایات موجود درباره مأمومه، بیانگر آن است که محل جنایت مأمومه؛ سر انسان است [۹]. سند روایتی که محل مأمومه را سر انسان می‌داند دارای شهرت فتوایی است و مشهور فقها بر اساس آن فتوا داده‌اند [۳ و ۲۰].

سر به عنوان محل مأمومه در فقه: محل جنایت مأمومه در کلام فقها با دو روش کلیدی قابل بحث و بررسی است. اولین روش، رجوع به تعاریف صریحی است که فقهای امامیه از محل مأمومه ارائه داده‌اند: «مأمومه جنایتی است که به کیسه مغز برسد» [۱۶-۱۲]. عبارت «أمّ الدماغ؛ کیسه مغز» که در تعریف مذکور قابل مشاهده است به معنای کیسه مغز است و طبعاً کیسه مغز در سر انسان واقع شده است (طریحی، ۱۴۱۶، ۱۴/۶). بر این اساس، می‌توان دریافت محل جنایت مأمومه؛ سر انسان است. همچنین تعریف پیش رو، مؤید محل جنایت مأمومه در سر انسان است: «مأمومه، رسیدن به أمّ الرأس است» [۱۹-۳۱]. عبارت «أمّ الرأس؛ کیسه مغز» در تعریف مذکور به معنای همان کیسه مغز است که طبعاً در سر انسان واقع شده است. دومین روشی که می‌توان محل جنایت مأمومه را در کلام فقها، سر انسان دانست، تقسیم فقهای امامیه از اصطلاحات «جراح» و «شجاج» است، زیرا همان‌طور که در مباحث بعدی مقاله خواهد آمد جنایت مأمومه در فقه امامیه با عنوان «الشَّجَّةُ الْمَأْمُومَةُ؛ جراحی مأمومه» مشهور است و «شجه» در اصطلاح فقه جزایی به جراحی اطلاق

می‌شود که در نواحی سر و صورت ایجاد می‌شود [۲۶]. بر اساس مطالبی که در روایات آمد، مانند آنکه محل مأمومه را به صراحت در «سر» معرفی می‌کند و همچنین ناظر بر تعبیر فقهی «أمّ الدماغ؛ کیسه مغز» و «أمّ الرأس؛ کیسه مغز» که از فقهای امامیه درباره محل مأمومه صادر شده، معلوم می‌شود محل ایجاد جنایت مأمومه در انسان، سر انسان و نواحی سر مانند پیشانی است که مسیری برای رسیدن به مجمله و کیسه مغز است. جستجوی لغوی درباره واژه «مأمومه» مؤید حکم مذکور است زیرا «مأمومه» اسم مفعول از ریشه «أمّ» به معنی هر چیزی است که محوریت اصلی و نقش اساسی را در هر چیزی به عهده دارد. از این رو مغز را «أمّ الرأس» می‌خوانند زیرا مغز محوریت اساسی را در بدن انسان به عهده داشته و دیگر متعلقات با محوریت آن به فعالیت خود می‌پردازند [۵]. در زبان عرب، هرگاه ضربه‌ای به سر وارد شود و آن را بشکافد و به أمّ الرأس برسد، «آمه» یا «مأمومه» خوانده می‌شود [۲۹-۳۲].

طریق ایجاد مأمومه

لزوم جراحی مأمومه در روایت: هرچند جنایت «مأمومه» در ماده ۷۰۹ ق.م.ا ذیل جنایاتی مانند «هاشمه» و «مأمومه» مورد تقنین واقع شده، اما طریق ایجاد جنایت مأمومه با دو جنایت پیشین کاملاً متفاوت است زیرا مختصات ماهیت جنایات هاشمه و منقله به شکستگی و جابه‌جایی استخوان بازگشته و منحصر در آن است، در حالی که ماهیت جنایت مأمومه به رسیدن آلت جنایت به مرز کیسه مغز ختم می‌شود. به عبارت دیگر مسیری برای رسیدن آلت جنایت به مرز کیسه مغز به غیر از جرح پوستی سر و شکستن مجمله متصور نیست. با جستجوهای روایی دریافت می‌شود لزوم وجود جراحی برای تحقق مأمومه با دو اصطلاح «شجه» و «ناقبه» به شرح ذیل قابل بحث و بررسی است.

لزوم جراحی با عنوان شجه: روایتی که از مأمومه در کتاب کافی موجود است، مأمومه را با مشخصه طریق ایجاد آن

«جرح» زخم‌های پدید آمده در سر و صورت را با عنوان «شجاج» و زخم‌های پدید آمده در غیر سر و صورت را با عنوان «جراح» مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند [۱۱]. اینکه فقهای امامیه جنایت مأمومه را با واژه «شجه» مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند، بیانگر لزوم جراحات در تحقق مأمومه است. لازم به ذکر است باوجود دسته‌بندی فوق، گروهی از فقها واژه جراحات را در مباحث فقهی به صورت عام به کار برده و زخم‌های سر و صورت را ذیل عنوان «جراح» بحث کرده‌اند، اما حائز اهمیت است حتی این گروه از فقها که واژه جراحات را به صورت عام استفاده کرده‌اند، وقتی نوبت به اجرای احکام در جراحات سر و صورت می‌رسد کاملاً تابع قوانین شجاج هستند [۳۱]. همچنین مذاقه در تعریف مأمومه از نگاه فقهی می‌تواند لزوم تحقق مأمومه از طریق جراحات را تأیید کند، زیرا فقهای امامیه جنایت مأمومه را با تعبیر «و هی التي تبلغ أمّ الدماغ: مأمومه جراحاتی است که به کیسه مغزی برسد» مورد شناسایی قرار می‌دهند [۲۰]. با مذاقه در عبارت مذکور می‌توان دریافت تحقق مأمومه در کلام فقها منوط به «رسیدن جنایت به کیسه مغز است». چگونه ممکن است جنایت به کیسه مغز برسد اما هیچ‌گونه جراحاتی ایجاد نکند، در حالی که کیسه مغز درون جمجمه و گوشت سر انسان واقع شده است؟ استفتای پیش رو، مطالب مذکور را تأیید می‌کند: «شخصی به سر دیگری ضربه زده که آن ضربه موجب جراحات پوست سر نشده، اما منجر به خونریزی مغزی مضروب شده است. آیا ضارب باید به حکم مأمومه ثلث دیه را بپردازد یا ارش بدهد؟ مأمومه درمورد جرح است، بنابراین در مورد سؤال باید ارش را بپردازد» [۱۸].

کیفیت ایجاد مأمومه

نفوذ تا کیسه مغز در روایات: بر اساس روایات فوق‌الذکر معلوم شد جنایت مأمومه در سر انسان واقع می‌شود. اما اینکه کجای سر باید مورد جنایت واقع شود تا مأمومه حادث شود، موضوعی است که از روایات پیشین قابل

که «جراحات» است توصیف می‌کند [۱۳]. همان‌طور که از نص روایت مذکور مشخص است مأمومه در سؤال روایت با عنوان «الشَّجَّةُ» طرح شده و امام صادق (ع) بدون هیچ‌گونه ایرادی نسبت به حمل «الشَّجَّةُ» بر مأمومه به بیان میزان دیه آن می‌پردازند. حمل «الشَّجَّةُ» بر مأمومه در روایات دیگر و با سلسله اسناد دیگر، قابل مطالعه است [۲، ۲۸]. واژه «شَّجَّةُ» نزد لغوین به معنای زخم سر است [۵]. بر اساس ارزیابی‌های فوق‌الذکر از اصطلاح «شجه» که در روایات تحقق مأمومه موجود است، معلوم می‌شود جنایت مأمومه از طریق جراحات قابل تحقق است زیرا تحقق «شجه» که رسالت معرفی مأمومه را به عهده دارد، بدون جراحات و ایجاد زخم غیرممکن است.

لزوم جراحات با عنوان ناقبه: روایت مشهوری در منابع روایی امامیه موجود است که با عنوان روایت «ظریف بن ناصح» مشهور است. سند روایت مورد نظر به ظریف بن ناصح بازمی‌گردد که اثبات اعتبار آن پیشتر نگاشته شد. اما بخشی از روایت ظریف بن ناصح به طریقه ایجاد مأمومه اشاره دارد: «هرگاه ناقبه‌ای در سر ایجاد شود، مأمومه نامیده می‌شود» [۲۸]. همان‌طور که از روایت مذکور مشخص است، جنایت مأمومه از طریق «ناقبه» قابل وقوع است. معنای مشهور واژه ناقبه عبارت است از «سوراخ کردن» [۱]. معنای دقیق‌تر ناقبه عبارت است از سوراخی که نفوذکننده نیست [۱]. مطابق با معانی مذکور می‌توان گفت معنای مشهور و پرکاربرد «نقب و ناقبه» همان سوراخ غیرنافذ است؛ سوراخی که از یک طرف وارد می‌شود اما از طرف دیگر خارج نمی‌شود. بر اساس ارزیابی‌های فوق‌الذکر از اصطلاح «ناقبه» که در روایات تحقق مأمومه موجود است، معلوم می‌شود جنایت مأمومه از طریق جراحات قابل تحقق است زیرا با توجه به مفاهیمی که از واژه ناقبه ارائه شد، چگونه می‌توان تحقق مأمومه را که اساس آن «ناقبه: سوراخ» در محل جنایت است، بدون ایجاد جراحات تصور کرد؟

لزوم جراحات مأمومه در فقه: فقهای امامیه بر اساس روایات مذکور و همچنین با توجه به مشخصات لغوی «شَّجَّةُ» و

دریافت نیست. با این وجود، با جستجو در منابع روایی می‌توان روایتی را درباره مأمومه مورد مطالعه قرار داد که مختصات دقیقی از کیفیت ایجاد مأمومه در اختیار قرار می‌دهد: «الْمَأْمُومَةُ... هِيَ الَّتِي نَفَذَتْ وَ لَمْ تَصِلْ إِلَى الْجَوْفِ فَهِيَ فِيهَا بَيْنَهُمَا... مَأْمُومَةٌ جَنَائِيَّتِي اسْتَكْتَفَتْ بِهَا جُوفٌ مَغْزٍ أَمَّا بِه جُوفٌ مَغْزٍ نَمِي رَسَدٌ، بَلَكُهُ مِثْلُ اسْتِخْوَانِ جَمْعُهُ وَ كَيْسُهُ مَغْزٍ مُتَوَقِّفٌ مِثْلُ شُودٍ» (۲؛ ۱۳). بر اساس عبارت «و هِيَ الَّتِي نَفَذَتْ»؛ معلوم می‌شود تحقق جنایت مأمومه در گرو نفوذ آلت جنایت به محل جنایت؛ یعنی مجمله انسان است. با این حال میزان عمق نفوذ آلت جنایت، رابطه مستقیمی با تحقق مأمومه دارد که این مهم از ادامه روایت قابل دریافت است. با مذاقه در ادامه روایت مورد بحث معلوم می‌شود آلت جنایت تا جایی از مجمله باید نفوذ کند که کیسه مغز را دچار آسیب نکند. آلت جنایت در جنایت مأمومه نباید به کیسه مغز نفوذ کند، زیرا ورود آلت جنایت به مغز با عنوان جنایی «جائفه» طرح شده است. هرچند نگارنده ورود آلت جنایت به کیسه مغز را «جائفه» ندانسته، بلکه آن را «دامغه» می‌داند [۳۳] اما ذکر مختصات مأمومه در روایت مورد بحث با مختصات شگرفی ترسیم شده است. مذاقه در بیان صاحبان منابع روایی کافی و «من لا يحضره الفقيه» درباره میزان عمق نفوذ آلت جنایت در تحقق مأمومه، مؤید مختصات مأمومه در روایت مورد بحث است زیرا عمق نفوذ آلت جنایت در تعبیر آنان، نفوذ جنایت تا مرز کیسه مغز است بدون اینکه کیسه مغز دچار آسیب شود [۲۳]. لازم به ذکر است روایت مورد بحث به حیث سندی مرسل است [۱۴] اما ضعف آن به دلیل استناد فقها به آن روایت و همچنین همسو بودن آن در تحقق مأمومه با روایات دیگر، قابل جبران است [۱۶].

نفوذ تا کیسه مغز در فقه: فقهای امامیه درباره اینکه سر انسان تحت چه جنایتی واقع می‌شود تا جنایت مأمومه تحقق یابد به بحث و بررسی پرداخته و با مذاقه در آرای موجود، می‌توان دو تعریف مهم را مورد مطالعه قرار داد. اولین تعریف موجود از مأمومه که گویای نوع جنایت

مورد بحث است، عبارت از تعریف پیش رو است: «مأمومه جنایتی است که به کیسه مغز برسد» (۱۲؛ ۱۶). عبارت «أم الدماغ» در تعریف مذکور به معنای کیسه حاوی مغز است (طریحی، ۱۴۱۶، ۱۴/۶). بنابراین عبارت «مأمومه جنایتی است که به کیسه مغز برسد» به معنای آن است که جنایت مأمومه تا کیسه مغز نفوذ می‌کند (۱۹؛ ۳۱). تا اینجای بحث معلوم شد تحقق مأمومه در گرو لزوم نفوذ جنایت تا کیسه مغز است، اما لزوم آسیب به کیسه مغز از تعریف مذکور قابل دریافت نیست بلکه برای دریافت حکم مذکور می‌توان تعریف دیگری از مأمومه را که مکمل تعریف مذکور است، مورد توجه قرار داد: «مأمومه عبارت است از رسیدن به أم الرأس که همان کیسه حاوی مغز در حالی که آن کیسه پاره نمی‌شود.» [۲۷]. تعریف مذکور تا قبل از عبارت «آن کیسه پاره نمی‌شود» با تعاریف پیشین مأمومه یکسان است و از هیچ‌گونه مطلب جدیدی برخوردار نیست، اما با اضافه شدن عبارت «آن کیسه پاره نمی‌شود» مطلب جدید به تعریف جنایت مأمومه اضافه می‌شود که به واسطه آن می‌توان کیفیت جنایت مأمومه را دقیق‌تر دریافت کرد. بر اساس مطالب مذکور دریافت می‌شود تحقق جنایت مأمومه در گرو نفوذ جنایت تا کیسه مغز است بدون آنکه لزومی در پاره شدن کیسه مغز باشد. نفوذ جنایت مأمومه تا مرز کیسه مغز، دیدگاه مشهور فقهای امامیه است [۱۴]. استفتای پیش رو از فقهای معاصر می‌تواند گویای تأیید مطالب مذکور باشد: «همان‌گونه که مستحضرید جرم دامغه دیه و ارش دارد، اما پزشکی قانونی ارشی هم تحت عنوان کاهش استحکام جوار استخوان ناشی از گرانبوتومی اعلان کرده است؟ آیا جانی این ارش را هم باید بپردازد؟ جواب: تنها ارش پاره شدن پوسته مغز را، علاوه بر دیه مأمومه، باید بپردازد.» [۱۵]. اگر پاره شدن کیسه مغز، جزئی از ماهیت جنایت مأمومه بود، لزوم پرداخت ارش برای پاره شدن کیسه مغز بی‌معنا بود. بر اساس لزوم حکم پرداخت ارش برای پارگی کیسه مغز، معلوم می‌شود ماهیت مأمومه تا قبل از آسیب به کیسه مغز است و آسیب به آن دارای حکم مستقل

ارش است.

لزوم آسیب مجسمه در مأمومه: بررسی‌های صورت گرفته در بخش «محل ایجاد مأمومه» بیانگر آن بود که لزوماً جنایت مأمومه در سر انسان واقع می‌شود، همچنین ارزیابی‌های انجام شده در بخش «طریق ایجاد مأمومه» بیانگر لزوم وجود جراحت در تحقق مأمومه بود. ضمناً در بخش «کیفیت ایجاد مأمومه» روشن شد که عمق جنایت مأمومه تا قبل از ورود به کیسه مغز، لازم و ضروری در تحقق مأمومه است. بر اساس یافته‌های مذکور معلوم می‌شود اولین اقدام برای تحقق جنایت مأمومه، ورود آلت جنایت به پوست سر انسان است. ورود آلت جنایت با جرح پوست سر به عمق مجسمه نفوذ می‌کند و برای تحقق مأمومه باید بدون آنکه لازم باشد به کیسه مغز آسیب بزند تا مرز کیسه مغز عمیق شود. وقتی چرخه تحقق جنایت مأمومه به شرح مذکور مورد تصور قرار می‌گیرد، معلوم



▲ شکل ۲- مجسمه بسته انسان



▲ شکل ۱- مجسمه بسته انسان

می‌شود آسیب مجسمه در تحقق مأمومه یک امر ضروری و از جمله فروض ماهیت جنایت مأمومه است زیرا آلت جنایت، چگونه ممکن است پوست سر را بشکافد و تا مرز کیسه مغز نفوذ کند اما به مجسمه سر آسیب وارد نیاورد، در حالی که مغز و کیسه مغز انسان در درون مجسمه محفوظ و پنهان است؟ شکل ۱ و ۲ بیانگر کیفیت پنهان شدن کیسه مغز در درون مجسمه انسان است.

بر اساس مطالب مذکور می‌توان دریافت که آسیب مجسمه در تحقق مأمومه یک امر اجتناب‌ناپذیر و جزو ماهیت جنایت مأمومه است. از همین رو هرگاه مجسمه در جنایت مأمومه مورد آسیب واقع شود، دیه یا ارش مستقلی نباید برای آن در نظر گرفت، زیرا آسیب مجسمه از ماهیت جنایت مأمومه است و جنایت مأمومه با همین آسیب‌ها مشمول یک سوم دیه کامل است. استفتای پیش رو می‌تواند در تأیید مطالب پیش گفته مؤثر باشد: «فردی در اثر ضربه وارده به سرش، خونریزی داخلی مغزی پیدا کرده و جرحی به سر او وارده نشده تا به کیسه مغز برسد. آیا این عمل به حکم مأمومه است و جانی باید ثلث دیه را بپردازد یا ارش آن را؟ مورد سؤال ظاهراً از موارد مأمومه نیست و از موارد ارش است. به همین دلیل تعیین ارش در این زمان به دقت ممکن نیست و اختلاف باید با مصالحه حل شود» [۲۴]. مذاقه در سؤال استفتای پیش رو می‌تواند در تحلیل مورد نظر بسیار مهم باشد، زیرا از عبارت «خونریزی داخلی مغزی پیدا کرده است و جرحی به سر او وارده نشده» معلوم می‌شود که مجسمه مجنی‌علیه در آسیب مربوطه، هیچ‌گونه آسیبی ندیده و تنها مغز مجنی‌علیه مورد جنایت واقع شده است. از همین رو مأمومه نبودن جنایت مورد نظر در پاسخ استفتا قابل مشاهده است.

نتیجه‌گیری

جنایت مأمومه به عنوان یک جنایت خطرناک در فقه و قانون مجازات اسلامی دارای یک سوم دیه کامل است. جنایت مأمومه بدون آنکه در امتداد جنایت دیگر یا بخشی

References

1. Al-Johari A. Al-Sehah Tajoloqah va sehah alarabia. Beirut: Dar al-elm lelmalayin. 1989. p. 2478-4432. [Arabic]
2. Ameli M. Wasa'el al-Shi'a. Qom: 'Al al-Bayt (peace be upon him) Institute. 1988. p. 179-383. [Arabic]
3. Bye HA. A Reflection on the Principle of "blood money for bone fracture". Quarterly for Islamic Law. 1974;12(44):31-36. [Persian]
4. Chigini, HR. Ānātumī Sar Wa Gardan. Tehran: Hiydarī. 2019. p. 75. [Persian]
5. Faraheedi Kh. Ketab al-'Eyn. Qom: Hijrat Publication; 1989. p. 6-21. [Arabic]
6. Hashemi Shahroudi M. Dictionary of Figh. Qom: Institute of Encyclopedia Islamic Jurisprudence according to the religion of Ahl al-bayat; 2005. p. 46. [Persian]
7. Helli Y. Nozaha al-Nazer fi Jam' Bayn al-Ashbah va al-Nazaer. Qom: Manshourat-e Razi; 1974. p. 152. [Arabic]
8. Hosseini Ameli SJ. Meftah al-Karama fi Sharh Ghava'ed al-Allama. Qom: seminary teachers' community; 1999. p. 486. [Arabic]
9. Ibn Davood Helli H. Rejal Ibn Davood. Tehran: University of Tehran Publications; 1963. p. 113. [Arabic]
10. Khansari SA. Jame al-Madarek fi Sharh Mokhtasar al-Nafe'. Qom: Ismaeelian Institution; 1984. p. 263. [Arabic]
11. Khomeini SR. Tahrir al-Wasila. Tehran: Organization for editing and publishing the works of Imam Al-Khomeini; 2013. p. 595. [Arabic]
12. KhooyeeSA. Tanqih. Qom: The institution to revive Imam Khooyee's Works; 1997. p. 471. [Arabic]
13. Kolehini, AJM. Al-Kafi. Qom: Dar al-Kotob al-Islamia; 1986. p. 326-333. [Arabic]
14. Majlesi MB. Hodood, Ghesas and Diat. Tehran: Islamic Works Publication Institute. 1984. p. 115-120. [Arabic]
15. Makarem Shirazi N. New Verdicts. Qom: Imam Ali School Publication. 2006. p. 48. [Persian]
16. Moqaddas Ardabili A. Majma' al-Fa'eda va al-Burhan fi Sharh Irshad al-Azhan. Qom: Qom seminary teachers' community. 2001. p. 452-458. [Arabic]
17. Mostafavi H. Al-Tahghigh fi Kalamat al-Quran al-Karim. Tehran: The Center for the Translation and Publication of Books; 1983. p. 68. [Arabic]
18. Movahedi Lankarani MF. Jame' al-Masa'el. Qom: Amir Qalam Publication. 1994. p. 464. [Arabic]

از تمام یک جنایت دیگر باشد، دارای یک ماهیت مستقل است. ماهیت جنایت مأمومه بر اساس شناسایی مختصات محل ایجاد مأمومه، کیفیت ایجاد مأمومه و طریق جنایت مأمومه قابل شناسایی است. ارزیابی‌های فقه جزایی بیانگر آن است که محل جنایت مأمومه منحصرأً سر انسان است و در هیچ جای بدن یا صورت انسان قابل تحقق نیست. ذکر این گزاره لازم است که هرچند تحقق مأمومه، منوط به نفوذ آلت جنایت به جوف مجمله است، اما جائفه نامیدن آن صحیح نیست زیرا جائفه از عناوین جراحی در جوف بدن است. کیفیت ایجاد مأمومه که می‌تواند دومین مختصات ماهیت مأمومه را نمایان سازد، ارتباط مستقیمی با درگیر کردن اجزای سر انسان و عمق نفوذ آلت جنایت دارد. تحقق جنایت مأمومه با در نظر گرفتن کیفیت ایجاد مأمومه از شکافتن پوست سر شروع می‌شود، به مرحله شکستن مجمله سر رسیده و بدون آنکه ضرورتی بر آسیب کیسه مغزی باشد تا مرز کیسه مغز نفوذ می‌کند. اما سومین مختصات ماهیت مأمومه در لزوم وجود جراحی در پوست سر قابل شناسایی است، زیرا مأمومه از جمله جنایاتی است که با حدوث صدمه قابل تحقق نیست و وجود جراحی در بروز و ظهور آن موضوعیت دارد.

تأییدیه اخلاقی: مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با کد سمات ۲۱۵۴۷۵-۱۵۶۶۴ در دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) است.
تعارض منافع: نویسنده این مقاله اعلام داشتند که هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.
منابع مالی: موردی گزارش نشده است.

19. Najafi MH. Javaher al-Kalam fi Sharh Shara'e al-Islam. Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. 1983. p. 334. [Arabic]
20. Najashi A. Rejal al-Najashi. Qom: Qom: Qom seminary teachers' community. 1986. p. 209. [Arabic]
21. Rohani Qommi SS. Minhaj al-Salehin. Qom: No Name; 3: 353. [Arabic]
22. Sabzevari SA. Mohazzab al-Ahkam. Qom: al-Minar Institution. 1992. p. 12. [Arabic]
23. Sadooq M. Man la Yahzorhoh al-Faqih. Qom: Qom seminary teachers' community. 1992. p. 82-167. [Arabic]
24. Safi Golpayegani. Jame' al-Ahkam. Qom: Amir Qalam Publication; 2: 346. [Arabic]
25. Sanayee Zadeh H. Forensics. Tehran: Dadgostar: 2015. p. 66. [In Persian]
26. Shahid Thani Z. Masalik al-Afham ilā Tanqih Sharayi' al-Islam. Qom: al-Ma'aref al-Islamia Institute. 1992. p. 452. [Arabic]
27. Tabatabaei A. Riaz al-Masa'el. Qom: 'Al al-Bayt (peace be upon him) Institute for Revival of Heritage; 1983. p. 556. [Arabic]
28. Tūsī, M. Tahzib al-Ahkam. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamia. 1986. p. 247-300. [Arabic]
29. Toreyhi FA. Majma' al-Bahrain. Tehran: Mortazavi Bookstore. 2005. p.14. [Arabic]
30. Tūsī, M. al-Khilāf. Qum: Jimā'at Mudarrisīn Huzat 'Ilmīyyat Qum. 1986. p. 292. [Arabic]
31. Tūsī, M. al-Mabsūṭ Fi Al-Fiqh al-Imāmīyyat. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīyyat Li-l-hyā' al-Āthār al-Ja'farīyyat. 2008. p. 122-191. [Arabic]
32. Waseti Zobeidi MA. Taj al-Aroose min Javaher al-Qamoos. Beirut: Dar al-Fekr lil-teba'a va al-nashr va al-tozi'. 1993;16:29. [Arabic]
33. Zargarian T. Re-reading of Damigha Injury in Islamic Penal Code; from the Conceptology to the Identification of the Ruling (a Critical Research on Legislation over Clause E of Article 709 of IPC). Religious Researches. 2023;19(3):175-83.